بقلم : آقای پورداود

(بقیه از شماره قبل)

مهاجرت پارسیان بهندوستان

روایت دیگریکه مؤلف آن معلوم نیست ولی در سال ۱۵۱۱ نوشته شد ، از دو پسران بهشت بهر «مرحوم» بهرامشاه که مانك شاه و آسدین شاه باشد صحبت میکند . از اینجا معلوم میشود که این خانواده سمت بزرگی و برتری داشته است مثل آنکه حالا خانواده سیر Sir جمشید جی بارونت Baiqnet از پدر بپسر سمت ریاست پارسیان دارد .

دوباره درقرن پانزدهم میلادی پارسیان در تمام گجرات پراکنده بودند کم کم کار آنان روی بخوبی میگذاشت، هرچند که ازتعصب مسلمانان میکاست مایهٔ آسایش دیگران بود و رفته‌رفته بتدریج نفوذ مسلمانان هم کم میشد و جا از برای اروپائیها خالی میکردند . در مدت حکومت پرتغالیها که از ۱۵۳۰ تا ۱۶۶۶ طول کشید یعنی دراینمدت ۱۳۶ سال چه از مسافرین اروپائی وچه از خود زرتشتیان برخلاف قرون سابقه بیشتر علائم و آثار از پارسیان در دست است از برای نمونه بذکر چند فقره اکتفا میکنم : از جمله طبیب پرتغالی کارسیادا اورتا Carcia da orta چهار سال پس از استیلای پرتغالیها یعنی در سال ۱۵۳٤ وارد هندوستان شد و مدت زمانی در اینمملکت بسر برد .

در جزو کتاب خودکه در خصوص ادویه هندوستان نوشته است از پارسیان کمبایت صحبت میدارد و میگوید در مملکت کمبایت تاجر هائی هستندکه آنان را کواری Coari «گبر» میگویند و آنان معروف‌اند به اسپارس Esparci «پارسی» ما پرتغالیها آنها را جهود میخوانیم ولی جهود نیستند ، کسانی هستند که از ایران آمدند . درمدت سلطنت پرتغالیها پارسیان آزادی مذهب نداشتند. بسا در نوشته‌های

زرتشتیان ازجمله درقصه زرتشتیان هندوستان میخوانیم که پارسیان ازدست پرتغالیها از شهری بشهر دیگر فرار میکردند ، مخصوصاً کاراکا داستانی در این خصوص ذکر میکند ومیگوید که سبب گریختن پارسیان ازشهرتانااین است که پرتغالیها میخواستند بزور آنـان را عیسوی کنند چنانکه در شهر تیمباکتو Timbaktoo بـا هندوان همین سلوك کردند، کشیشهای کاتولیك پرتغالی باتمام قوای خویش دراینکار میکوشیدند و حکومت محل نیز در این خصوص فرمانی صادر نمود ، چون زرتشتیان در خود قوهٔ مدافعهٔ ندیدند ، برای رهـائی خود تدبیری اندیشیدند ، پس از چندی مشورت گروهی از نمایندگان آنان نزد حاکم رفته اظهـار نمودند کـه بمیل و رغبت عموم زرتشتیان حاضرند بدین عیسوی درآیند ولی باید مارا چند روز مهلت دهید تایکبار دیگر در مقابل آتش مقدس ایستاده خدای خودرا ستایش کنیم و پس از نیـایش از شعله ایزدی که هزاران سال است باو مأنوسیم وداع گوئیم ، آن وقت مجلس جشنی آراسته شادمانی کنیم و آنرا برای آئین نو خود فال نیك شمرده با دل خوش آنرا استقبال نمائیم ودر روز یکشنبه آینده عموماً غسل تعمید نموده رسماً عیسوی شویم. پرتغالیها درخواست آنـان را صمیمی پنداشته التماس‌شان بپذیرفتند حاکم اعلان داد که کـسی در هنگام جشن پارسیان ممانعتی برای شادمانی آنان پیش نیاورند و آنان را آزاد بگذارند . پارسیان در روز موعود جشن باشکوهی آراسته سران وبزرگان شهر وسروران پرتغالیهارا بمجلس خویش خواندند ، لوازم شادمانی ازهرقسم فراهم بود. رقص و نوازندگی بیش‌ازبیش حریفان‌را بباده‌پیمائی تشویق‌میکرد بغرورپرتغالیها مستی هم افزوده شد . چنان از خود بیرون رفتند که پای ازدست نشناختند میزبانان هوشیـار میهمانان را در وجد و طرب نوازندگی و رقص سرگرمی میگذاشته بـا آسایش و آرامی از دروازهٔ شهر گذشتند طوری در تدبیر خویش کامیاب شدند کـه بیست‌میل‌راه‌را بخوشی‌پیموده بمقصد خویش‌بشهر کلیان Kalyan رسیدند . ناتمام